

## موضوع ۹

**خدمت به یکدیگر****مرور کلی موضوع**

همانند تکه‌های مختلف یک تصویر، هر قسمت از بدن مسیح بی‌همتا و ضروری است. اگر یکی از تکه‌های این تصویر نباشد، تصویر کامل نخواهد بود. خدا به شکلی بی‌سابقه شما را چنان طرح‌ریزی کرده است که او را خدمت کنید. او برای انجام کارهای بخصوصی را برای شما مهیا کرده است و به شما این توان را عطا فرموده که آنها را جامه عمل پوسانید.

در این موضوع ما:

- خواهیم دید که خدا چگونه می‌خواهد ما را برای انجام کار خود در این دنیا بکار گیرد.
- طرح الهی شخص خود را مشخص خواهیم نمود؛ اینکه خدا چگونه ما را به شکلی بی‌همتا طرح‌ریزی کرده است تا او را خدمت کنیم.
- نقشه‌ای را طرح خواهیم کرد تا بدان توانها و عطایایی را که خدا به ما بخشیده است، به عمل کشیم.

**هدف موضوع**

خدا چگونه می‌خواهد شما را در خدمت به دیگران بکار برد؟ خدا برای خدمت خود شما را چگونه به شکلی بی‌همتا طرح‌ریزی کرده است؟ از کجا می‌دانید که به همان طریقی که خدا از شما انتظار دارد، او را خدمت می‌کنید؟ آیا خدا می‌تواند از تجربیات چه مثبت و چه منفی ما به جهت اهداف و جلال خود استفاده کند؟ کلیسا چگونه می‌تواند مطابق انتظار خدا، اهداف او را جامه عمل پوشاند؟

**کوچک ولی مقوی** (علت گنجاندن بیانات زیر در این بخش از آن جهت است که شما را در رابطه با موضوع به تفکر وادارد. این بیانات ممکن است با حکمت کلام خدا منطبق باشند و یا نباشند.)

«دیدن این همه افراد با استعداد و عطا دار که در کلیسای ما خدمت می‌کنند، مرا از نزدیک شدن به هر خدمتی می‌ترساند.»

«کاشکی من هم مانند دیگران با استعداد و صاحب عطا بودم.»

«ایمان دارم که خدا می‌خواهد از من به شکلی مهم استفاده کند. تنها چیزی که از آن مطمئن نیستم این است که چگونه؟»

«همیشه نسبت به استفاده از توانهای خود در کارهای کلیسایی علاقمند بوده‌ام، لیکن هیچکس هرگز از من نخواست است. به نظر می‌رسد که کلیسا بدون من هم به کار خود به خوبی ادامه می‌دهد.»

«هر فرد مسیحی خادم است و خدمتی به عهده دارد.»

«بلوغ روحانی برای خدمت صفت مهمتری است از اینکه انسان صاحب عطایا باشد.»

## نمونه به جهت مطالعه

سارا

سارا دو سال پیش به کلیسا آمد. هر هفته در کلیسا حضور دارد و در وسط هفته به کلیسای خانگی شما نیز می‌آید. هفته گذشته شبان کلیسای خانگی شما از این مطلب صحبت می‌کرد که به هر ایماندار خدمت بخصوصی سپرده شده است و این «خدمت خدا داده» شما است.

سارا از شنیدن این مطلب بسیار به هیجان آمد، از اینکه می‌تواند در کار کلیسا خدمتی مهم و بخصوص انجام دهد. اکنون تنها چیزی که فکر او را به خود مشغول کرده، این است که در کدام بخش خدمت می‌تواند جفت و جور گردد. او کلیسا را دوست دارد و طالب خدمت است، لیکن نمی‌داند که در کدام قسمت می‌تواند مفید باشد. خدا او را برای چه خدمتی آماده ساخته است؟ برای کشف این خدمت خدا داده خود، سارا چه باید بکند؟

برای سارا چه توصیه‌ای دارید؟

سوال و یا موضوع اصلی مطرح برای ما چیست؟

## مطالعه کتاب مقدس

### افسیان ۲: ۱۰

زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم.

خدا به شکلی بی‌همتا هر یک از ما را برای خدمت‌طرییزی کرده است. کلمه «صنعت» به شکل لغوی «آفریده» و یا «دست‌آفریده» معنی می‌دهد. چه بدانید و چه ندانید، شما در هر حال شاهکار خدا هستید و چنان‌طرح‌ریزی شده‌اید که کارهایی را که برایتان آماده کرده است، انجام دهید.

به نظر شما، زمانی که پولس ما را «صنعت او» می‌خواند، چه چیزی را مقصود دارد؟

به نظر شما، برخی از کارهایی که خدا «از قبل» برای ما به جهت انجام مهیا نموده است، کدامند؟

### ارمیا ۱: ۴ - ۱۰

پس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت‌ها قرار دادم.»  
پس گفتم: «آه‌ای خداوند یهوه اینک من تکلم کردن را نمی‌دانم چونکه طفل هستم.» اما خداوند مرا گفت: «مگو من طفل هستم، زیرا هر جایی که تو را بفرستم خواهی رفت و به هر چه تو را امر فرمایم تکلم خواهی نمود. از ایشان مترس زیرا خداوند می‌گوید: من با تو هستم و تو را رهایی خواهم داد.» آنگاه خداوند دست خود را دراز کرده، دهان مرا لمس کرد و خداوند به من گفت: «اینک کلام خود را در دهان تو نهادم. بدان که تو را امروز بر امت‌ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه برکنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب‌نمایی و بنا‌نمایی و غرس کنی.»

ارمیا گرچه این دعوت را در ابتدای جوانی خود دریافت کرد، لیکن خدا او را حتی پیش از اینکه در رحم مادر نطفه بندد، برای انجام کاری بخصوص آماده ساخته بود. ارمیا در مقابل این وظیفه ترس آور خود را آماده و کافی نمی‌دید (آیه ۶).

خدا جهت آماده سازی ارمیا، آن هم پیش از تولد او، چهار چیز انجام داده بود، آن چهار چیز کدامند؟

در رابطه با نگرانی ارمیا خدا از مهیا سازی چه چیزی وعده می‌دهد؟

#### ۱ پطرس ۴: ۱۰ - ۱۱

و هر یک بحسب نعمتی که یافته باشد، یکدیگر را در آن خدمت نمایند، مثل وکلاء امین فیض گوناگون خدا. اگر کسی سخن گوید، مانند اقوال خدا بگوید و اگر کسی خدمت کند، بحسب توانایی که خدا بدو داده باشد بکند تا در همه چیز، خدا بواسطه عیسی مسیح جلال یابد که او را جلال و توانایی تا ابدالابد هست، آمین.

پطرس اعمال وفادارانه عطایایی را که خدا به ما بخشیده است، با نثار فیض خدا به دیگران برابر می‌کند. به سخنی دیگر، خدا به هر یک از ما عطایایی بخشیده است و این عطایا کانالهای فیض او به افرادی هستند که در اطراف ما وجود دارند. این کانالهای فیض، همانطور که می‌بینید، «به شکل‌های گوناگون» می‌باشند. اینها انبوه بی‌شمار عطایای مختلف و بی‌همتای خداست که به طرقی مخصوص و مهم فیض خدا را شامل افراد دیگر می‌نماید.

براساس آنچه که مطالعه شد، به نظر شما، زمانی که در استفاده از عطایای خدا داده خود قصور می‌ورزیم، این مطلب در افراد دور و بر ما چه تأثیری برجای می‌نهد؟

هدف نهایی عطایایی که خدا به ما بخشیده است، چیست؟

## دیگر منابع

«کشف طرح الهی خود» به قلم «جف جونز»

با کسب مجوز



## کشف طرح الهی خود

به قلم «جف جونز»

«ورنا» در کلاسهای یکشنبه کلیسا بیش از سی سال با وفاداری خدمت کرده است. اگر در هر کمپانی بدین شکل کار کرده بود، تا به حال با اهدای ساعتی از طلا از او قدردانی کرده بودند. ولی حقیقت تلخ در این است که ورنا خدمت در کلاسهای تعلیمی کلیسا را زیاد هم دوست ندارد. افرادی که در کلاس او وجود دارند، همه از نظر سنی به سیکل اول متوسطه می‌خورند. نوجوانان سر به سر او زیاد می‌گذارند. هر یکشنبه فکر اینکه قرار است یکساعت با آن جانورها در یک اتاق دربسته قرار داشته باشد، وجود او را به شدت می‌لرزاند. با اینحال، اگر او با این نوجوانان کار نمی‌کرد، چه کس دیگری به این وظیفه همت می‌گماشت؟ این سوآلی بود که شبان کلیسا «فردریکسون» در سال ۱۹۶۶ زمانی که از او دعوت به تعلیم در این کلاس نمود، در مقابل او گذاشت. ورنا می‌دانست که کسی باید این وظیفه را انجام دهد. خدا آن نوجوانان را دوست داشت و آنها نیاز به تعلیم داشتند. از این رو نیز پذیرفت، ولی نمی‌دانست که این پذیرش، تمامی عمر او را فرا خواهد گرفت. به محض اینکه معلمی این کلاس را به عهده گرفت، تمامی افراد در کلیسا فرض را بر این قرار دادند که ورنا تا آخر عمر به این وظیفه همت خواهد گماشت. و از آن موقع به بعد چنین هم بوده است. نوجوانان کلاس او می‌دانند که «ورنا» خیریت آنها را می‌خواهد، ولی همیشه با لطفه و جوک از او یاد کرده‌اند تا با تحسین و قدردانی. اگر صادق باشم، نوجوانان هم به اندازه خود «ورنا» از این کلاس وحشت دارند! «ورنا» وفادار است، ولی از این خدمت ارضا نمی‌شود و زیاد هم مؤثر نیست. اغلب در این فکر است که یک‌کاش خدمت دیگری با ثمراتی بهتر برای او مهیا می‌بود، ولی آیا چنین خدمتی برآستی برای او وجود داشت؟ در این حین، او کماکان به تعلیم در کلاس یکشنبه نوجوانان ادامه می‌دهد و کسی چه می‌داند، شاید در سی سال آتی از آن خوشش بیاید!

«جان» درست در نقطه مقابل «ورنا» قرار دارد. عاشق خدمت در کلیسا است. او عضو کلیسای دیگری است و نقطه نظر کلیسای او در رابطه با خدمت، با نقطه نظر کلیسایی که «ورنا» بدانجا می‌رود، تفاوت دارد. کلیسای او بجای آنکه خدمات به هر کسی که بدان داوطلب می‌شود، بسپارد، به مومنین کمک می‌کند تا عطایا، استعدادها، و علائق، و کشش‌های خدا داده خود را کشف کنند. سپس آنها را تقویت و تجهیز می‌کنند که در همان حیطه‌هایی که خدا بدانها طرح و توان بخشیده است، خدمت کنند.

«جان» بیشتر طبع هنری دارد و زیبا نگر است. همیشه مشتاق آن بود که این استعداد خداداد را در خدمت به او استفاده کند. او اکنون با کمال افتخار عضو «خط اول گروه جذب» می‌باشد. هدف گروه جذب این است که در برخورد اول با حق جویانی که برای اولین بار به کلیسا می‌آیند، تأثیری خوب و زیبا بر جای نهند. وظیفه «جان» این است که در اتاقها و راهروها جوئی بسیار گرم و مطلوب برای تازه‌واردها ایجاد کند. همیشه به فکر بهبود محیط است تا بدین ترتیب کلیسا برای تازه‌واردین مطلوب و جذاب باشد. در هر جلسه با اشتیاق پیش از دیگران حضور دارد تا کلیسا را برای آمدن مردم آماده کند. دیدن نگاههای خوش‌آیند مردم در هنگام ورود به کلیسا، تمامی خستگی او را از بین می‌برد. از اهمیت خدمت خود در رابطه با مأموریت به خوبی باخبر است و می‌داند که اولین برخورد مردم با کلیسا بسیار مهم است و تلاش دارد که این برخورد تأثیری مثبت داشته باشد. زیرا همین تأثیر مثبت باعث خواهد شد که باز به کلیسا برگردند و باز فرصت شنیدن خبر خوش کلام خدا را داشته باشند. «جان» به خدمت خود عشق می‌ورزد و خدمتی بسیار مؤثر انجام می‌دهد.

«ورنا» و «جان» هر دو وفادار هستند، با اینحال فقط یکی از آنها مؤثر و ارضا است. دلیل این امر نیز روشن است. «جان» در کلیسا جایی را پیدا کرده است که عطایای خدا داده او به شکلی صحیح و مؤثر استفاده می‌شود.

خدمت چیزی به مراتب فراتر از این است که جاهای خالی را پر کنیم؛ خدمت یعنی گماردن مقدسین در آن جاهای خدمتی که با طرح الهی به خوبی جفت و جور می‌گردد. زمانی که چنین شود، خدمت به تلاشی بسیار وفادار و ارضا کننده تبدیل خواهد شد.

شما چطور؟ آیا از آن جایی که خود را به خوبی در بدن مسیح جفت و جور کنید، آگاه هستید؟ براستی که خدا شما را هم به شکلی بی‌همتا به جهت خدمت طرحریزی کرده است. شما در دست خدا تنها ابزار باقیمانده از نوع خود هستید. افسسیان ۲: ۱۰ می‌فرماید: «زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم.» حتی پیش از تولد شما، خدا برایتان کارهایی برای انجام مهیا فرمود و شما را مطابق آنها طرحریزی نمود.

زمانی که خدا ارمیا را به خدمت نبوت دعوت کرد، به ارمیا فرمود: «قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدن از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت‌ها قرار دادم» (ارمیا ۱: ۵). خدا برای ارمیا کاری به جهت انجام فراهم کرد و او را چنان آماده نمود که بتواند آن را به انجام برساند. ما چنین الگویی را در زندگی پولس (غلاطیان ۱: ۱ - ۱۵) و داوود (مزمور ۱۳۹) نیز می‌بینیم. علاوه بر آن، خدا زمانی که خیمه اجتماع را بنا کرد، مردم را با تخصص

و توان و معرفت از روح خدا پر ساخت. تا وظایف مختلف این کار مهم را به انجام برسانند (خروج ۳۵). در اینجا می‌بینیم که خدا حتی برای افراد عادی هم بر اساس هدف خود استعدادها و علائق آنها وظایفی مهیا می‌کند.

حقیقت این است که خدا برای تو نیز نقشه‌ای بخصوص دارد و تو را چنان طرح‌ریزی کرده است که بتوانی این نقشه او را جامه عمل بپوشانی. پولس به این مطلب زمانی که در رابطه با بدن مسیح می‌نویسد، اشاره کرده و می‌گوید که خدا به هر کدام از ما عطایا و توانهایی داده است و ما باید آنها را با وفاداری برای بنای بدن مسیح بکار گیریم و کلیسا را در انجام مأموریت خود کمک کنیم (رومان ۱۲: ۳-۸، افسسیان ۴: ۱۱-۱۶، اقرنتیان ۱۲: ۱-۱۳: ۴).

من و شما زمانی که از طرح الهی خود آگاه می‌شویم و بر اساس آن شروع به خدمت هم می‌کنیم، می‌بینیم که خدمت نه فقط بار و عذاب نیست، بلکه مطلوب هم هست. و بیش از هر زمان دیگر خود را ارضا و مهم خواهیم یافت. آن دسته از ما که دائم خود را دست کم می‌گیریم و چیزی برای عرضه در خود نمی‌بینیم، خواهیم دید که خدا چگونه طالب است ما را به شکلی ویژه برای جلال خود بکار برد. بعلاوه، بین افرادی که اشتیاق قلبی‌شان به جهت خدمت مشابه است، اغلب دوستی نزدیکی به وجود می‌آید.

پس، سؤال این است: «چگونه طرحی را که خدا برای من ریخته است، کشف کنم؟» در جواب باید بگویم که اول آگاه شدن و فهمیدن عناصر این طرح مهم است. پس از آن است که می‌توانیم طرحی را که او برای ما به شکل فردی ریخته است، درک کنیم. و رابطه بالغیت روحانی را با طرح الهی نیز بررسی کنیم.

## عناصر و اجزای طرح الهی

### علاقه

چگونه باید خود را در خدمت دخیل کنیم؟ خدا در این مورد از ما چه می‌خواهد؟ همه ما از علائق بخصوصی برخوردار هستیم که می‌توانند ما را در کشف این مطلب کمک کنند. چه باور بکنید و چه نکنید، آنچه که ما نسبت به آنها علائق داریم، ممکن است همانهایی باشند که خدا در آنها ما را بیش از هر چیز دیگر بکار می‌گیرد. او می‌تواند از علائق شما به جهت جلال خود استفاده کند. علائق می‌توانند چیزهای نظیر باغبانی، خواندن کتاب، ورزش، و حتی آشپزی را هم شامل شوند. هر کدام از اینها می‌توانند همانند دری باشند که به خدمتی که مطابق با طرح، نقشه و هدف خدا است، باز گردند

در کلاسی که اخیراً در همین مورد درس می‌دادم، زوج مسنی بودند که به پرورش گل سرخ، مخصوصاً آن دسته که بسیار نادر بود، علاقه داشتند. قبلاً نمی‌دانستم که گل سرخ از بریدن دیگر گیاهان رشد می‌کند، نه تخم گیاه. این سخن به این معنی است که هر گل سرخ گذشته‌ای دارد، خانواده‌ای که بدان متعلق است. این زوج گلهای سرخی داشتند که ریشه آنها به باغ هنری هشتم و دیگر اشخاص معروف تاریخ برمی‌گشت.

خدا در خدمت چگونه می‌تواند از علاقه به گل سرخ استفاده کند؟ در این مورد بخصوص، این زوج تصمیم گرفتند که درب خانه خود را به روی آنها که به گل سرخ علاقه داشتند و یا در این مورد کنجکاو بودند، باز کنند. در چنین روزهایی این زوج در رابطه با خلاقیت خدا و زیبایی خلقت او و اشتیاقی که به رهایی خلقت خود دارد، صحبت می‌کنند. این دو بدین ترتیب قادر هستند به شکلی بسیار طبیعی و مؤثر پیام انجیل را با دیگران در میان گذارند.

برخی از کلیساها کلوبهایی دارند که به روی مردم باز است و می‌توانند بدانها ملحق گردند و از این فرصتها به جهت بشارت استفاده می‌کنند. برخی از مسیحیان به عضویت کلوبهایی که بیرون از کلیسا است، درمی‌آیند. هر کدام از این موارد عنصری از طرح الهی باشد.

## شور و شوق

شور و شوق واژه‌هایی است که معمولاً با امور عاشقانه همراه است و به ندرت در مطالب کلیسایی از آنها استفاده می‌گردد. معهذاً، خدا به هر یک از ما نسبت به برخی از خدمات شور و شوقهایی بخصوص عطا کرده است. کلمه دیگری که در این زمینه بکار گرفته می‌شود، لغت «بار» است. بعضی‌ها ممکن است بگویند: «من بار دارم که بین جوانان خدمت کنم و آنها را به سوی مسیح هدایت نمایم.» من از این واژه «بار» به شخصه خوشم نمی‌آید. زمانی که کسی از باری که دارد صحبت می‌کند، بیشتر به این فکر می‌افتم که «برایت دعا می‌کنم. امیدوارم که از زیر این بار رهایی پیدا کنی.»

حقیقت این است که خدمت ما در حیطه‌هایی که نسبت به آنها شور و شوق داریم، به هیچ عنوان بار محسوب نمی‌شود. چنین خدماتی علی‌رغم سختی‌ها لذتبخش هستند! بهترین رهبر جوانان فردی است که از کار در بین جوانان لذت می‌برد. بودن با آنها را دوست دارد و دائم در این فکر و دعا است که چگونه می‌تواند آنها را به شکلی مؤثر خدمت کند. زمانی که به خدمت در میان جوانان می‌اندیشد، ضربان قلبش تند می‌شود و می‌داند که خدا بر آن است که او را چنان بکار گیرد که در زندگی دیگران تغییری شگرف ایجاد کند. این یعنی شور و شوق!

شور و شوق است که ما را می‌کشاند. چیزی نیست که می‌توانیم انجام دهیم، بلکه چیزی است که باید انجام دهیم. احساس می‌کنیم که برای انجام خدمتی بخصوص کشیده می‌شویم. شور شوق هوسی نیست که برای مدتی کوتاه به جوش آید و فروکش کند. اشتیاقی است مانا به جهت انجام خدمت بخصوصی که ضرورت آن احساس می‌گردد.

در میان عناصر طرح الهی، کسب شور شوق شاید مشکلترین آنها باشد. برای برخی‌ها جمع و جور کردن شور و اشتیاقی که دارند، سخت جلوه می‌کند. برای کمک به این افراد در انتهای همین مقاله لیستی فراهم کرده‌ایم. ولی بدانید که شور و شوق ممکن است تا زمانی که خود را در خدمت درگیر نکرده‌اید، ظاهر نگردد. بنابراین منتظر نباشد که حس بخصوصی بر شما نازل گردد. به جهت خدمت آستین بالا زنید!

برای اینکه بتوانید شور شوق خود را مشخص کنید، ابتدا در مورد آن چیزی فکر کنید که بدان خدمت و یا کلیسایی را ارزیابی می‌کنید. شاید اولین مطلب مورد نظر شما خدمت به فقرا باشد. اگر چنین است، همین خود نشانه بارزی از شور و شوق شما می‌باشد. آن جنبه از خدمات کلیسایی هم که به نظرتان خدمت در آنها چندان هم موفق نبوده است، می‌تواند نشانه دیگری باشد. فکر می‌کنید که در رابطه با بشارت مردم به اندازه کافی کار صورت نمی‌گیرد. می‌گویید: «مردم چگونه می‌توانند با این کار اندکی که صورت می‌گیرد، خود را در این مورد چنین راضی نگهدارند؟» شاید خدا از این جهت چنین شور و شوقی را به جان شما انداخته که شما را به جهت تقویت بخش بشارت کلیسا بکار گیرد.

## عطا و استعدادها

یک عطا و یا استعداد توان خدادادی است شخص را به جهت خدمت موثر به دیگران نیرو می‌بخشد. پولس در اول قرن‌تین ۱۲ و رومیان ۱۲ به چنین عطایایی اشاره می‌کند. مهمترین چیزی که در این دو متن می‌بینیم، این است که این دو لیست با همدیگر فرق دارند. مخصوصاً هم که می‌دانیم کلیسای در رم و قرنتس به نامه‌های یکدیگر دسترسی نداشتند. پولس به دنبال آن نبود که در این مورد لیستی طولانی فراهم سازد. او صرفاً نمونه می‌داد. پولس می‌خواست که مسیحیان خدا را بر اساس استعدادها و عطایایی که خدا به آنها بخشیده بود، خدمت کنند. بیاد داشته باشید که کتاب مقدس ما را تشویق نمی‌کند که وقت خود را در کشف عطایایی که داریم صرف کنیم. بلکه این عطایای خدا - داده را بکار گیریم. نقطه تمرکز ما باید بر خدمت کردن او متمرکز باشد.

استعداد و عطا با مهارت فرق دارد. مهارت را می‌توان کسب کرد، ولی یک عطا و یا استعداد چیزی است که یا دارید و یا ندارید. به عنوان مثال، استودیوهای موسیقی هرگز از من نخواهند خواست

که برای توزیع در میان مردم برایشان آواز بخوانم. اینکار هدر دادن وقت و پول خواهد بود. ولی با این وجود، بر این باور هستم که خدا به من این استعداد را عطا کرده است که بتوانم در جمع صحبت کنم. حال وظیفه من این است که از این عطا و توان به جهت جلال او استفاده کنم. استعدادها و عطایا در هماهنگی با علائق و شور و شوقهای ما کار می‌کنند. شور و شوق و علائق در خدمت به ما جهت می‌بخشند. اگر نسبت به خدمت در میان افراد مسن شور و شوق و علاقه داریم، می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا ما را به سوی آن خدمت هدایت می‌کند. استعدادها و عطایا وسیله‌ای هستند که ما بدانها به علائق و شور و شوق خود جامه عمل می‌پوشانیم. به عنوان مثال، دو نفر ممکن است در یک زمینه مشابه مثلاً جوانان خدمت می‌کنند. با این وجود، یکی از آنها به مشورت و نصیحت به آنها همت می‌گمارد و دیگری به موعظه و بشارت. هر دو آنها شور و شوق دارند که جوانان بتوانند با مسیح در رابطه‌ای نزدیک قرار گیرند. لیکن وسیله‌ای که می‌خواهند بدان این شور و شوق را جامه عمل پوشانند، با هم متفاوت است.

### تجربه

لغت «زمینه» در فرهنگ ما اغلب معنایی منفی دارد. اخیراً خانمی در توصیف کسی به من می‌گفت که: «طرف زمینه دارد.» واقعیت امر این هست که همه ما زمینه داریم! خدا به هریک از ما مجموعه بی‌ظیری از تجربیات را عطا کرده است و همین تجربیات ما را چنانکه هستیم، ساخته‌اند. می‌دانیم که خدا تمامی تجربیات سخت و دردناک را نیز به جهت خدمت و جلال خود بکار خواهد گرفت. مادر زن من فردی استثنایی برای خدا بود. افراد دور و بر خود را دائم تشویق می‌کرد. تعداد افرادی که این فرد در نجاتشان تأثیر زیادی داشت، از شماره زیاده‌اند. زمانی که همسر «کریستی» چهارده ساله بود، مادرش به شکلی ناگهانی فوت کرد و پدر کریستی را با دو خواهر یک و نیم ساله و هشت ساله تنها گذاشت. در نتیجه، کریستی در سن چهارده سالگی می‌بایست جای مادر را برای خواهران خود پر می‌کرد. تمامی اینها در رابطه با خدا سوآلاتی جدی مطرح نمود: چرا این واقعه می‌بایست رخ دهد؟ چرا خدا اجازه داد که خانمی چنین خدا پرست فوت کند؟ چرا خدا باید فردی را در یک چنین سن جوانی به یک چنین وظیفه سختی بگمارد؟

همه جوابها را نمی‌دانم ولی بخشی از جواب را می‌دانم. ایمان کریستی به شکلی بی‌سابقه در طول آن تجربه رشد کرد. و خدا در او شور شوقی بی‌حد نسبت به نوجوانانی قرار داد که در رنج و عذاب بودند. زمانی که باهم در میان جوانان خدمت می‌کردیم، در امر رسیدگی به نوجوانان و محبت به آنها و کشانیدن آنها به جانب مسیح به شکلی مؤثر خدمت می‌نمود. بسیاری از دختران را می‌دیدم که در اثر خدمت کریستی چگونه شکوفا می‌شدند.

خانمی را می‌شناختم که ۸۴ سال سن داشت و متقی‌ترین فردی بود که برآستی می‌شناختم. تمامی زندگی‌اش روی رابطه با خدا بنا بود. روزی از او پرسیدم که اگر زمان به عقب برمی‌گشت در زندگی‌اش چه چیزی را عوض می‌کرد. جواب داد: «هیچ چیز را عوض نمی‌کردم. چرا که خدا از تمامی آنها، حتی زمانهایی هم که او را از خود مأیوس می‌کردم، به جهت تقویت رابطه من با خود و خدمت به دیگران استفاده کرد. خدا از هر شرایطی به جهت خیریت استفاده کرد.»

شاید فکر کنید که زمینه شما به جهت خدمت مانع است. واقعیت امر این است که خدا می‌تواند از هر تجربه شما به جهت خدمت دیگران استفاده کند.

پولس در مورد این تجربه بزرگ در ۲ قرن‌تیاں سخن گفت: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمتها و خدای جمیع تسلیات است، که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم.» (۲ قرن‌تیاں ۱: ۳ - ۴).

تجربیات زندگی‌تان شما را به شکلی بی‌نظیر برای خدمت آماده می‌کند. در مقام شبان، اغلب به افرادی در مشکلات هستند، از کسانی مثال می‌آورم که در همان شرایط مشابه چگونه توانسته‌اند با موفقیت بیرون آیند. بدین شیوه می‌توانیم «دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم.» (۲ قرن‌تیاں ۱: ۴).

خدا از تجربیات بسیار خوب و دلپذیر ما هم می‌تواند به جهت خدمت دیگران استفاده کند. زمینه ما می‌تواند به جهت خدمت درهایی را بگشاید که برای دیگران ممکن نیست. تمامی تجربیات ما برای اهداف خدا می‌توانند مفید باشند.

## کشف طرح الهی شما

در اینصورت چگونه می‌توانید طرح الهی خود را دریابید؟ در صفحات بعدی با دو لیست روبرو خواهید شد که شما را در کشف خدمت بی‌نظیری که خدا شما را برای آن خلق کرده استم کمک خواهد نمود.

لیست اول از شما می‌طلبد که به سوالاتی که در مورد شما هست، پاسخ دهید. لیست دوم را باید به دوست، عضوی از خانواده و یا کسی که شما را به خوبی می‌شناسد، بدهید. علاوه بر آنها این مطالب هم مهم‌اند:

- دعا: به جهت فرصت و بصیرت
- دخیل شدن: برای آشنایی و کسب تجربه

- تفکر: کسب بصیرت از آن متون کلام خدا که از عطایا صحبت می‌کند و نیز از فرصتهایی که به جهت خدمت خدا داشته‌اید.
- رضای شخصی: از چه چیزی لذت می‌برید؟
- تأیید دیگران: آیا دیگران هم با تشخیص شما موافق‌اند؟
- احتیاج: آیا این مهم است؟
- نتایج: آیا مؤثر بوده‌ام؟

بعد از تمام کردن این مقاله با دعا لیستی را که مربوط به شما است، پر کنید و سپس آن را همراه با لیست دوم به کسی که به شما نزدیک است، بدهید. این دو لیست، همراه با موارد بالا می‌توانند شما را در کشف طرحی که خدا برای خدمت شما در نظر دارد، کمک کنند.

## رشد در شخصیت

ما به هیچوجه نمی‌توانیم شخصیت را از طرح الهی جدا کنیم. خدا در هنگام انتخاب افراد برای استفاده به جهت خدمت به چیزی به مراتب بیشتر از طرح الهی نگاه می‌کند. او ابتدا به شخصیت ما نگاه می‌کند.

شخصیت به صداقت شخصی و بلوغ روحانی شما مربوط است. به نظر برخی شخصیت شما همانی است که در تنهایی هستید، زمانی که کسی نظاره‌گر نیست، همان «شمای واقعی».

فردی که از نظر شخصیتی ضعیف است، نمی‌تواند به شکلی مؤثر خدا را خدمت کند. خدا شخص خدا پرست غیر ماهر را بیشتر به جهت خدمت استفاده می‌کند، تا شخص بیخدای بسیار ماهر. پولس زمانی که شبانان جوان را در چگونگی انتخاب افراد به جهت رهبری تعلیم می‌داد، به صفاتی چون داشتن عطا و استعداد و شور و شوق اشاره نکرد (۱ تیموتائوس ۳، تیطس ۱) صفاتی که پولس از آن سخن گفت صداقت، درستی، تقوا، وفاداری و قدوسیت در رابطه بود.

بلوغ روحانی باید صحنه و حیطة خدمت شخص را اداره کند. هر کسی از این صلاحیت برخوردار نیست که در مقام شیخ کلیسا و معلم کودکان خدمت کند. لیکن معلم کودکان نیز باید در روحانیت رشد کند و بالغ گردد. با اینکه کشف طرح الهی‌ای که خدا برای دارد، مهم است، لیکن اهمیتی نخواهد داشت، اگر از نظر روحانی رشد نمی‌کنید. خدمت ما به مسیح باید از رابطه‌ای که با او داریم، ناشی گردد. خدمت ما تجلی رشد روحانی ما است و در خدمت وفادارانه است که رشد می‌کنیم.

متأسفانه بسیاری از رهبران مسیحی که به گناه افتاده و اعتبار خود را از دست داده‌اند، بر این تصور هستند که می‌توانند بخاطر توان و مهارت و موفقیت‌های گذشته کماکان در مقام رهبری باشند. ولی خدا نیازی به توان و مهارت و موفقیت‌های آنها دارد و بر آنها است که توجه خود را به تجدید رابطه خود با مسیح متمرکز کنند. در طول زمان خدا می‌تواند اعتبار آنها را از سر نو برقرار سازد و آنها را کماکان در خدمتی مؤثر به کار گیرد. اصلی‌ترین صفتی که در خدمت لازم است، شخصیت می‌باشد و نباید این حقیقت را فراموش کرد.

خدا می‌خواهد همه ما را به شکلی قوی برای جلال خود به کار برد. و اینکار را خواهد کرد، به شرطی که نسبت به عطایا و توانها و شور و شوق و علائق خود در اهدافی که دارد، وفادار باشیم و در روحانیت رشد کنیم.

### نتیجه

«ورنا» و «جان» هر دو با وفاداری خدمت می‌کنند؛ ولی با اینحال فقط یکی از آنها مؤثر و ارضا است. علت چیست؟ جان به طریقی خدمت می‌کند که خدا او را طراحی کرده است. او خدمتی را که خدا برای او فراهم کرده است، به انجام می‌رساند.

خدا برای شما خدمتی فراهم کرده است. او طالب است که علائق و شور و شوق و توانها و زمینه شما را برای جلال خود بکار گیرد او از شما دعوت می‌کند که در خدمت او مشغول شوید و او را با وفاداری خدمت کنید و نقش بی‌نظیر خود را در نقشه او کشف کنید. او از شما دعوت می‌کند که در روحانیت رشد کنید و به عنوان خادم او بالغ گردید. او شما را به خدمتی مؤثر و ارضا کننده دعوت می‌کند. او منتظر پاسخ از شما است.

## شکل بخشی به پاسخ

- ۱- به سوالاتی که در لیست آمده است، جواب دهید. این لیست به جهت کمک به شما در کشف طرحی که خدا جهت استفاده از شما در خدمت خود دارد، کمک می‌کند.
- ۲- لیست دوم را به کسی بدهید که شما را به خوبی می‌شناسد. این لیست شما را از نظری که دیگران در مورد شما دارند، آگاه خواهد کرد.

## لیست اول؛ طرح الهی

یکی از تجربیات بزرگ این است که طرح الهی را به جهت خدمتی که خدا ما را بدان فراخوانده است، کشف کنیم. به سوالاتی که در زیر می‌آیند، پاسخ دهید. این سوالات به جهت خیریت خود شما است و چنان طرحریزی شده‌اند که شما را در تفکر نسبت به این موضوع کمک کنند. از این رو این سوالات را با صداقت جواب دهید.

## علائق

- ۱- اگر قادر به هر کاری بودید و پول و خانواده و زمان ابدا مهم نبودند، بقیه زندگی خود را چگونه می‌خواستید، بگذرانید؟ در خدمتتان؟ در کلیسایتان؟

- ۲- آیا خدمتی هست که همیشه می‌خواستید بدان مشغول باشید ولی شهامت و یا فرصت انجام آن را نداشتید؟ اگر چنین است، آن خدمت چیست؟

## شور و شوق

- ۱- آیا در وجود خود جهت خدمتی بخصوص «آتش سوزاننده» دارید و بر این باور هستید که آنجا مهمترین جایی است که خدا برای شما در نظر دارد؟

۲- آیا در وجود خود برای رسیدن به گروه مشخصی از افراد (مسن، بچه، بیرون از کلیسا، گروه نژادی بخصوص، عقب افتاده‌ها ... ) علاقه و اشتیاق احساس می‌کنید؟ اگر چنین است، چه گروهی؟

۳- آیا در وجود شما به جهت موضوع بخصوصی اشتیاق هست که بخواهید در آن خدمت کنید (موضوعاتی چون خانواده، سقط جنین، سیاست، ...)

۴- آیا نسبت به حیطه از خدمات کلیسایی در وجود خود اشتیاق و علاقه می‌بینید (تعلیم، رهبری گروههای کوچک، تعمیر و نگهداری، مهمان‌نوازی)؟ اگر چنین است، کدامیک؟

## استعدادها

۱- به نظر شما، خدا شما را با چه توانها و استعدادهایی مجهز کرده است؟

۲- افرادی را که در شما تأثیر گذاردند، به یاد آورید، افرادی چون خانواده، دوستان و رهبران در کلیسا. به نظر آنها، چه توانها و استعدادهایی در شما جلوه می‌کند؟ چه توانها و استعدادهایی در شما نیست؟

۳- در خدمت دیگران در بدن مسیح چه مهارتها و استعدادهای هنری، فنی، و تجاری در شما هست که می‌تواند به کار گرفته شود؟

۴- به نظر شما چه استعداد پرورش نیافته در شما وجود دارد؟

### تجربه

۱- چه تجربیات بخصوص خدمتی دارید (خدماتی که در حد خود به شکل رسمی و غیر رسمی در داخل و یا خارج کلیسا انجام داده‌اید)؟ از کدامیک بیشتر لذت برده‌اید؟

۲- در خدمت، خدا شما را به چه طرقتی بکار برده است؟ کدامیک از خدمات به شکل کلی بهترین نتایج را داشته است؟ مهمترین نتایج کدام بوده‌اند؟ مهمترین ثمرات؟

۳- از کدامیک از کارها (مثل شغل، تعطیلات، سرگرمی‌ها) بیش از همه لذت برده‌اید و بیش از همه موفق بوده‌اید؟

۴- کدامیک از تجربیات خدمتی بیش از همه در شما لذت آفریده است و شما را ارضا کرده است؟

در زیر برخی از حیطه‌های خدمتی ذکر می‌گردد که می‌توانید در آنها استعدادهای خود را بکار گیرید. این لیست بلند بالا نیست، لیکن می‌تواند در رابطه با تفکر روی توانها و استعدادهایتان شما را کمک کند. کنار هر کدام از آنها که در گذشته از آنها لذت برده‌اید و یا از انجام آنها در آینده لذت خواهد برد، علامت زنید. در مقابل آن موارد علامت خورده، درصد علاقه خود را به آنها نیز مشخص دارید.

(الف) علاقه بسیار شدید	(ب) علاقه شدید	(ج) علاقه کم	(د)
ابداء			
حسابداری	بشارت	تلفن کردن	
مدیریت	مهمان‌نوازی	تایپ	
جوانان	بازاریابی	ملاقات	
تبلیغ	یافته‌های خدمتی	تعلیم	

نوشتن	آلات موسیقی	بزرگسالان
غیره	موعظه	هنر
امور مالی	منشیگری	صوتی - تصویری
خواندن	ساختمان	شبانگی
مربیگری	گروههای کوچک	بچه‌ها
نمایشنامه	کامپیوتر	کنترل صدا

### لیست دو۴؛ نظریه دوستان در طرح الهی شما

همسر، دوست، و یا عضوی از خانواده شما به دنبال آن است که در مورد رابطه خود با خدا و نقشه‌ای که برای او دارد، بیشتر بداند. از آنجا که نظر شما بسیار مهم است، از اینکه وقت داده و به سوالات زیر پاسخ می‌دهید، تشکر می‌کنیم.

شخصی که در مورد او نظر می‌دهید: .....

نام شما: .....

۱- این شخص در چه حیطه‌های «شور و شوق» (بسیار علاقمند) دارد؟ برخی از نمونه‌ها می‌توانند گروه سنی بخصوص (مثل جوانان)، و یا یک موضوع (سقط جنین) و یا خدمت بخصوصی (مثل مشورت دادن) باشند.

۲- به نظر شما، شخص مورد نظر در کدام حیطه از خدمت بیشتر موثر خواهد بود؟

۳- شخص مورد نظر اغلب در رابطه با کدام قسمت از خدمات کلیسایی به شکلی بسیار مثبت صحبت می‌کند؟

۴- در این شخص چه استعدادها و عطایایی مشاهده کرده‌اید؟

۵- آیا پیشنهاد دیگری دارید که شخص مورد نظر را در کشف استعدادها و توانهای خود یاری کند؟

## بحث موضوع

۱- در کدام قسمت از خدمت شما نیز دخیل هستید؟ لطفا تشریح کنید. چه زمانی به شکلی مخصوص موثر بودن خود را در این خدمت احساس کرده و راضی بوده‌اید؟

۲- آیا موافق هستید که هر فرد مسیحی خود «خادم» و دارای خدمتی است؟ چرا و چرا نه؟

۳- منظور پولس در افسسیان ۴ چه بود که می‌گوید وظیفه شبانان «تجهیز مقدسین برای کار خدمت» است؟

۴- من و شما از کجا می‌توانیم مطمئن باشیم که در بهترین جا خدمت می‌کنیم؟

۵- نتایج آن دو فرم را با دیگر اعضای گروه در میان گذارید. در مورد شور و شوق، زمینه، استعداد و علائق خود قدری صحبت کنید.

۶- با گروه آن قدمی را در میان گذارید که جهت همسو بودن بیشتر خدمتتان با طرح الهی خواهید برداشت.

## گامهای به جهت اطاعت

۱- بحث این موضوع، فکر اصلی شما را چگونه عوض کرده است؟ افکار خود را در زیر خلاصه کنید

۲- آن را چگونه به عمل خواهید کشید؟

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع برای خود اهدافی مشخص و آن را با گروه و یا سر گروه در میان گذارید.

به کمک خدا، من:

